

سرمایه داری، دروغگوی بزرگی است!

امروز، در آستانه ی هزاره ی سوم تاریخ بشریت، سراسر جهان مملو از نظام های متعفن است که برای اداره ی جوامع انسانی بر پایه ی اصل مقدس بهره‌کشی و حفظ سیادت خود بر توده های استثمار شونده، به طور مداوم فریب به کار می بندند. واقعیت را آن چنان ماهرانه وارونه جلوه می دهند که میلیون ها انسان را مسخ تبلیغات مداومشان کرده اند تا به فرای وضعیت موجود نیندیشند. این حکومت ها مذهب، فرهنگ و حتی علم را در جهت منافع خویش اشاعه می دهند تا پی در پی نظم استثماری را در طی دوران های مختلف بازتولید کنند. آنان طوری وانمود می کنند که گویی بحران ها از آسمان نازل شده اند و برای نجات از آن ها هیچ راه حل انسانی وجود ندارد!

اگر بگوییم چرا گرسنه ام، چرا سرپناهی برای زندگی ندارم و یا روانم از غرق گشتن در این چهارچوب تنگ فرسوده گشته است، آنقدر آسمان به ریسمان می بافند که با تمام سلول های بدن ات باور کنی که در این گرسنگی، خود بزرگ ترین مقصری و حتی گناه به تو می باوراند که اساساً گرسنگی خود موهبتی بزرگی است، پس دلیلی ندارد به آن معترض شوی! بسته به میزان شعور و سطح آگاهی ات تو را می فریبد و اگر مشاهده کند که قانع نگشته ای، دهانت را با گلوله می بندد که برای همیشه ساکت شوی!

جنگ در این سیستم فریبکاری مظهر صلح می شود و کشتار انسان های بی دفاع، پاسداشت دامان ننگین دموکراسی بورژوایی. بیکاری انکار می گردد و از فقر تنها زمانی یاد می شود که خیرخواهان سرمایه دار برای آرامش

روح خویشن دست به جیب می برند تا از آن ثروت افسانه ای که حاصل غارت تودهای بی شمار است، سکه ای به همان کسانی بذل کنند که از دهانشان دزدیده اند! در سیستم سرمایه داری، بر حقیقت خط بطلان کشیده می شود تا مبدا خرافه هایی که ابزار سیادت سرمایه داران اند، زیر سؤال روند و دیگر نتوان با توسل به آن ها بهره کشی را بر انسان ها تحمیل کرد.

اما اوج وقاحت دروغ پردازی های طبقات ذی نفع نظام های سرمایه داری را، تنها در نمایش های مضحک سیستم انتخاباتی آن می توان دید! آنجا که به یک باره تمامی طبقات اجتماعی، هم وطن می شوند و جناب زالوی سرمایه دار دست میزبان ستمکش اش را صمیمانه می فشرد که چه خوشبختی عظیمی برای ماست که هر دوی ما در تعیین سرنوشت کشورمان سهم هستیم!

« این جانب که تقریباً تمامی ثروت های اجتماع را بلعیده ام، حاکمیت را قبضه کرده ام، رسانه های ارتباطی در انحصارم است و از همه جالب تر، همه ی کاندیداهای انتخابات به طبقه ی من متعلق اند، با تو که محتاج نان شبی و برای تأمین معشیت خود روز از شب نمی شناسی که حتی فرصتی برای اندیشیدن به سیاست ات باقی بماند، در این دموکراسی کذایی برابریم!

پس لطف کن و بی هیچ سخنی، یکی از این کاندیداهای مدافع حقوق سیاسی و اقتصادی طبقه ی مرا با رأی میلیونی خود انتخاب کن تا مبدا دشمنان وطن، همان کسانی که برای چنگ انداختن به ثروت های من که حاصل چپاول تو و هم طبقه ای هایت می باشد، صف کشیده اند، جرأت مداخله در امور کشور ما را پیدا کنند! البته چندان تفاوتی هم نمی کند که تو از این انتخابات استقبال نکنی، من و شریکاتم، به اندازه کافی در تقلب و دغلکاری خیره گشته ایم که اجازه ندهیم رسوایی عدم محبوبیتمان آشکار شود!»

پشت پرده ی انتخاباتی که در نظام سرمایه داری برگزار می شوند، جز این نیست. همواره اقلیتی ناچیز با در اختیار داشتن همه ی امکانات موجود اجتماع، اکثریت را از دخالت در سرنوشت خویش محروم می سازند. واژه ی وطن و تمام ادا و اطوارهای مشابه آن نیز تنها در چنین فریبکاری های وقیحانه ای کاربرد دارد، برای سربازگیری از توده های تحت ستم در خلال جنگ های دول سرمایه داری، برای مشروعیت بخشیدن به جنایت های طبقه ی حاکم در انتخاباتی که در واقع چیزی ماواری انتصاب نیستند و هزار و یک ترفند رنگارنگ برای حفظ سیستم موجود.

بورژوازی تر دست قهاری است در میدان های این چینی! زمانی که حتی قادر به تأمین برابری سیاسی نیست چه رسد به رفع تبعیض های سرسام آور اقتصادی و اجتماعی، دموکراسی پوشالی اش را علم می سازد، ناگهان چهره عوض می کند و تعفن جنایت های حال و گذشته اش را در رنگ و لعاب وعده های کذب می پوشاند چرا که برای تداوم آن در آینده در یک مقطع، یعنی برگزاری انتصابات، نیازمند حضور همان کسانی است که در موقعیت های دیگر بهیچوجه خود را متهد به پاسخگویی در برابر خواسته هایشان نمی داند.

خدای سرمایه دار و دولت حامیش، سود سرمایه است و بس. بنابر این برایش اهمیتی ندارد که بهای این آزمندی بی حد و حصر، جمعیت میلیونی از گرسنگان، فقر، فحشا، بیکاری، جنگ و... باشد. امروز اگر نتواند با مسخ توده ها به نیت غیر انسانی خویش برسد، فردا نقاب از این چهره ی دلفریب کنار می زند و ماهیت پلید خود را آشکار می کند.

هم وطنان دیروز به دشمنان طبقاتی ای تبدیل می شوند که برای سرکوب عصیانشان هر نوع جنایتی مجاز است! دموکراسی به خواب خرگوشی می رود

و از بردگان تنها ارزش افزوده ی بیش تر طلب می شود چرا که طبقه ی استثمارکننده، نمایندگان شایسته ی خویش را در یک بازی سیاسی بر کرسی حاکمیت نشانداده است و تا فرا رسیدن نمایش بعدی فرصت زیادی در اختیار دارد. فرصت مکیدن خون توده های تحت ستم را، فرصت چپاول نیروی کار را، فرصت سرکوب تمامی معترضان به نظام حاکم را!

همه ی این جنایتکاران در سراسر جهان، کم و بیش چنین سیاست هایی را در جوامع تحت کنترل خویش اعمال می کنند. چه در لباس دموکراتیک ترین نظام های سیاسیشان و چه در مرتجع ترین شیوه های حکومتی ممکن! سیاست در نظر آنان، تنها نقش پوششی را ایفا می کند که برای تثبیت سلطه ی اقتصاد سرمایه داری، کاربرد لازم را داشته باشد، زمانی که دیگر با اتکا به آن نتوان جوامع انسانی را در نظم سرمایه داری، حفظ کرد، شکل دیگری از آن به انسان ها تحمیل می شود. در واقع سیاستشان همواره می چرخد تا متعادل ترین نقطه ی امنیتی را برای اقتصاد سرمایه داری فراهم کند.

رُزا جوان

۸۴/۳/۲۵

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری